

سوره نمل

شماره: ۲۷
محل نزول: مکه
جزء: ۱۹، ۲۰
ترتیب نزول: ۴۸
تعداد آیه: ۹۳

ahlolbait.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش
همیشگی.

طس ۛ تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ

طس این آیات [باعظمت] قرآن و کتابی روشنگر است، (۱)

هُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ

[که سراسر] هدایت کننده [انسان ها] و برای مؤمنان مژده

دهنده است. (۲)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ
يُوقِنُونَ

همانان که نماز برپا می دارند و زکات می پردازند، و قاطعانه
به آخرت یقین دارند؛ (۳)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ
يَعْمَهُونَ

به راستی کسانی که به آخرت ایمان ندارند، اعمال [زشتشان] را
در نظرشان آراستیم، پس همواره در حیرت و سرگردانی اند، (۴)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ
الْأَخْسَرُونَ

اینان کسانی هستند که عذاب سختی برای آنان است و
بی تردید آنان در آخرت زیانکارترین [مردم] اند. (۵)

وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ

یقیناً تو قرآن را از نزد حکیمی دانا فرا می گیری. (۶)

إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ
أَوْ آتِيكُمْ بِسِهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ

[یاد کن] هنگامی را که موسی به خانواده اش گفت: به راستی من آتشی را از دور دیدم، به زودی خبری از آن برای شما می آورم، یا از آن شعله ای برگرفته به شما می رسانم تا خود را گرم کنید، (۷)

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا
وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

پس هنگامی که نزد آن آمد، ندا رسید که پربرکت باد آنکه در آتش
است و آنکه پیرامون آن است، و منزّه و پاک است خدا که
پروردگار جهانیان است. (۸)

يَا مُوسَىٰ إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

ای موسی! یقیناً منم خدای توانای شکست ناپذیر و حکیم،

(۹)

وَأَلْقِ عَصَاكَ ۚ فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا
وَلَمْ يُعَقِّبْ ۚ يَا مُوسَىٰ لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ
الْمُرْسَلُونَ

و عصایت را بیفکن. پس وقتی آن را دید که تند و شتابان حرکت می کند، گویا ماری
باریک و تیزرو است، پشت کنان رو به فرار گذاشت و به پشت برنگشت. [ندا رسید:]
ای موسی! نترس که پیامبران [به سبب دارا بودن مقام عصمت و پاکی از گناه،] نزد من
نمی ترسند، (۱۰)

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ

مگر کسی که ستم کند [که او باید بترسد]؛ ولی زمانی که پس از بدی نیکی را [که ایمان و کار شایسته است] جایگزین آن نماید [از عذاب من در امان است و نباید بترسد]؛ زیرا من بسیار آمرزنده و مهربانم، (۱۱)

وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ طَّ فِي
تَسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

و دستت را در گریبان کن تا بدون هیچ عیبی، سفید و درخشان
بیرون آید، [با این دو معجزه که در ضمن] نه معجزه است به
سوی فرعون و قومش [برو] که قطعاً آنان گروهی نافرمانند؛ (۱۲)

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

هنگامی که معجزات روشن ما به سویشان آمد، گفتند: این

جادویی آشکار است. (۱۳)

وَجَادُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

و آنها را در حالی که باطنشان به الهی بودن آن معجزات یقین
داشت، ستمکارانه و برتری جویانه انکار کردند. پس با تأمل بنگر
که سرانجام مفسدان چگونه بود؟! (۱۴)

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا ۖ وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

و یقیناً ما به داود و سلیمان، دانش [ویژه] دادیم، و آن دو گفتند:
همه ستایش ها ویژه خداست، همان که ما را بر بسیاری از بندگان
مؤمن خود برتری عطا کرده است، (۱۵)

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ^ط وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ
الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ^ط إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ

و سلیمان وارث داود شد و گفت: ای مردم! [معرفت و آگاهی به] زبان و
منطق پرندگان را به ما آموخته اند، و از هر چیزی [که به پیامبران و پادشاهان
داده اند] به ما عطا کرده اند، یقیناً این امتیاز و برتری آشکاری است. (۱۶)

وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ
يُوزَعُونَ

و برای سلیمان، سپاهیانش از پریان و آدمیان و پرندگان گردآوری شدند، [و آنان را از حرکت باز می داشتند] تا گروه های دیگر به

آنان ملحق شوند؛ (۱۷)

حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ
ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا
يَشْعُرُونَ

[پس حرکت کردند] تا به وادی مورچگان درآمدند. مورچه ای
گفت: ای مورچگان! به خانه هایتان درآید تا سلیمان و سپاهیان
ناآگاهانه شما را پایمال نکنند. (۱۸)

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ
 نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ
 صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

پس سلیمان از گفته اش با تبسم، حالت خنده به خود گرفت، و [به سبب نعمت فهم
 گفتار حیوانات] گفت: پروردگارا! به من الهام کن تا شکر نعمتی را که به من و پدر و
 مادرم عطا کرده ای به جای آورم، و اینکه کار شایسته ای که آن را پسندی انجام دهم،
 و مرا به رحمت در میان بندگان شایسته ات درآور. (۱۹)

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدُودَ أَمْ كَانَ مِنْ
الْغَائِبِينَ

و [سلیمان] جویای پرندگان شد [و هدهد را در میان پرندگان
بارگاهش نیافت] پس گفت: مرا چه شده که هدهد را نمی بینم
[آیا هست و او را نمی بینم] یا از غایبان است؟ (۲۰)

لَا عَذْبَئِهِ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِنِي بِسُلْطَانٍ
مُّبِينٍ

قطعاً او را عذابی سخت خواهیم کرد یا [برای عبرت دیگر
پرندگان] او را سر می برم، یا باید [برای غایب بودنش] دلیلی
روشن برایم بیاورد. (۲۱)

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ
سَبَا بِنَبَأٍ يَقِينٍ

پس [هدهد] زمانی نه چندان دور درنگ کرد [و با شتاب بازگشت،] پس
گفت: [ای سلیمان!] من به چیزی آگاهی یافته ام که تو به آن آگاهی نیافته‌ای،
و [من] از [سرزمین] سبا خبری مهم و یقینی برایت آورده ام. (۲۲)

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا
عَرْشٌ عَظِيمٌ

به راستی من زنی را یافتم که بر آنان حکومت می کند، و از هر
چیزی [که از وسایل و لوازم حکومت و قدرت است] به او داده
اند و تختی بزرگ دارد، (۲۳)

وَجَدْتَهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ
لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا
يَهْتَدُونَ

او و قومش را یافتم که به جای خدا برای خورشید سجده می کنند
و شیطان، اعمال [زشتشان] را برای آنان آراسته و در نتیجه آنان را
از راه [حق] بازداشته است به این سبب هدایت نمی یابند، (۲۴)

أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ

[و شیطان آنان را این گونه فریب داده] تا برای خدا سجده نکنند،
همان که نهان در آسمان ها و زمین را بیرون می آورد و آنچه را
پنهان می دارید و آنچه را آشکار می کنید، می داند. (۲۵)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿۲۶﴾

خدای یکتا که معبودی جز او نیست، پروردگار عرش بزرگ
است. (۲۶)

قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

[سلیمان به هدهد] گفت: به زودی [درباره ادعایت] تأمل و

بررسی می کنم که آیا راست گفته ای یا از دروغگویانی، (۲۷)

اَذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا
يَرْجِعُونَ

این نامه مرا ببر و به سوی آنان بیفکن، سپس به دور از دیدگان آنان
خود را کناری بگیر و بنگر چه پاسخیمی دهند؟ (۲۸)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ

[ملکه سبا پس از آگاهی از مضمون نامه] گفت: ای سران و اشراف! همانا نامه ای نیکو و با ارزشی به سوی من افکنده اند،

(۲۹)

إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یقیناً این نامه از سوی سلیمان است و سرآغازش به نام

خدای رحمان و رحیم است، (۳۰)

أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأُتُونِي مُسْلِمِينَ

و [مضمونش این است که] بر من برتری مجوید و همه با

حالت تسلیم نزد من آید. (۳۱)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا
حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ

گفت: ای سران و اشراف! در کارم به من نظر دهید تا شما نزد من
حضور داشتید، من [بدون شما] فیصله دهنده کاری نبوده ام.

(۳۲)

قَالُوا نَحْنُ أَوْلُو قُوَّةٍ وَأَوْلُو بِأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ
فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ

گفتند: ما دارای قدرت و مالک وسایل رزمی سختی هستیم،

پس بنگر چه فرمان می دهی؟ (۳۳)

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً ۗ وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ

گفت: همانا پادشاهان هنگامی که [با ابزار، ادوات جنگی و سپاهی
رزمی] وارد شهری می شوند، آن را تباه می کنند و عزیزان اهلش را به
ذلت و خواری می نشانند و [آنان] همواره چنین می کنند! (۳۴)

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ

من به سوی آنان هدیه ای [قابل توجه] می فرستم، پس با تأمل

می نگرم که فرستادگان با چه پاسخی بر می گردند؟ (۳۵)

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ
مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ

هنگامی که [فرستاده ملکه سبا] نزد سلیمان آمد، [سلیمان] گفت: آیا مرا با مالی [اندک و ناچیز] یاری می دهید؟ آنچه خدا [از نبوت و حکومت و ثروت] به من عطا کرده، بهتر است از آنچه به شما داده [هدیه شما برای من شادی آور نیست]، این شما باید که با هدیه خود شادمانی می کنید، (۳۶)

قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدْتَ لِتُرْدِينِ

به سوی آنان بازگرد که ما حتماً با سپاهسانی به سوی آنان خواهیم آمد که قدرت رویارویی با آن را ندارند، و آنان را در حالی که [در آن منطقه] حقیر و بی ارزش شده اند، با خواری و ذلت از آنجا بیرون می کنیم. (۳۷)

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي
مُسْلِمِينَ

[سلیمان] گفت: ای سران و اشراف! کدام یک از شما تخت او را
پیش از آنکه همگی به حالت تسلیم نزد من آیند، برایم می آورد؟

(۳۸)

قَالَ عَفْرَيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ
مَقَامِكَ ۖ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ

یکی از جنیان کاردان و تیزهوش گفت: من آن را پیش از آنکه از
مسند خود برخیزی نزد تو می آورم، و من بر این [کار] توانا و
امینم، (۳۹)

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ ۚ فَلَمَّا رَآهُ
 مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ ۗ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا
 يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ

کسی که دانشی از کتاب [لوح محفوظ] نزد او بود گفت: من آن را پیش از آنکه پلک دیده ات به هم
 بخورد، نزد تو می آورم. [و آن را در همان لحظه آورد]. پس هنگامی که سلیمان تخت را نزد خود پابرجا
 دید، گفت: این از فضل و احسان پروردگار من است، تا مرا بیازماید که آیا سپاس گزارم یا بنده ای
 ناسپاسم؟ و هر کس که سپاس گذاری کند، به سود خود سپاس گذاری می کند و هر کس ناسپاسی
 ورزد، [زیانی به خدا نمی رساند]؛ زیرا پروردگارم بی نیاز و کریم است. (۴۰)

قَالَ نَكُرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرُ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ
لَا يَهْتَدُونَ

گفت: تختش را [با تغییر دادن در زینت و آرایش] برایش ناشناس
کنید تا بینیم آیا [به شناخت آن] راه می یابد، یا از کسانی است
که راه نمی یابند؟ (۴۱)

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهْكَذَا عَرْشُكَ ۖ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ ۚ وَأُوتِينَا
الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ

پس زمانی که [ملکه سبا] آمد، گفتند: آیا تخت تو نیز این گونه است؟
گفت: گویا این همان است!! و ما را پیش از این [به حقانیت و قدرت
سلیمان] آگاه کردند و [همان زمان] تسلیم شدیم؛ (۴۲)

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ ^{صلى} إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمِ
كَافِرِينَ

چیزی را که [ملکه سبا] به جای خدا می پرستید او را [از تسلیم
شدن به حق] بازداشته بود؛ زیرا او از گروه کافران بود [و در میان
آنان رشد کرده بود و به روش و رفتار آنان خو گرفته بود.] (۴۳)

قِيلَ لَهَا ادْخِي الصَّرْحَ ۖ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا ۚ قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ ۗ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

به او گفتند: به حیاط قصر درآی. هنگامی که آن را دید، پنداشت آبی فراوان [چون دریاچه] است، پس دامن جامه از دو ساق پایش بالا زد [که به خیال خود وارد آب شود]، سلیمان گفت: این محوطه ای است صاف و هموار از شیشه [نه از آب]. [ملکه سبا] گفت: پروردگارا! قطعاً من به خود ستم کردم، اینک همراه سلیمان، تسلیم [فرمان ها و احکام] خدا، پروردگار جهانیان شدم. (۴۴)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ

همانا به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که خدا را پرستید. پس ناگهان آنان دو گروه [مؤمن و کافر] شدند که با یکدیگر نزاع و دشمنی کردند. (۴۵)

قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا
تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

گفت: ای قوم من! چرا بر عذاب و هلاکت، پیش از توبه و ایمان
شتاب می کنید؟! چرا از خدا درخواست آمرزش نمی کنید تا
مورد رحمت قرار گیرید؟! (۴۶)

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ ۚ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ ۗ بَلْ
 أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ

گفتند: ما به تو و همراهانت فال بد زده ایم [و شما را سبب بروز این همه مشکلات و بدبختی خود می دانیم]. گفت: سبب بروز مشکلات و بدبختی شما [طغیان و گناهان شماست که عکس العملش] نزد خداست، [ربطی به ما ندارد] بلکه شما گروهی هستید که [به مشکلات و مصایب] امتحان می شوید [شاید به این سبب توبه کنید و مؤمن شوید]. (۴۷)

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ

در آن شهر نه نفر از اشراف و سران بودند که در آن فساد

می کردند و اصلاح گر نبودند، (۴۸)

قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا
شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ

[آنان به یکدیگر] گفتند: هم قسم شوید که حتماً به صالح و خانواده اش
شیخون می زنیم [تا همه را نابود کنیم]، آن گاه به خونخواهش بگوییم: ما
زمان هلاک شدن خانواده اش حضور نداشتیم و یقیناً راستگوییم. (۴۹)

وَمَكْرُوا مَكْرًا وَمَكْرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

آنان نیرنگ مهمی به کار گرفتند و ما هم در حالی که بی خبر
بودند [با کیفر بسیار سختی] نیرنگ آنان را از بین بردیم. (۵۰)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَّرْنَا لَهُمْ وَقَوْمَهُمْ
أَجْمَعِينَ

پس با تأمل بنگر که سرانجام نیرنگشان چگونه بود؟ که ما آنان و
قومشان را همگی درهم کوبیدیم و هلاک کردیم. (۵۱)

فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا^ق إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ
يَعْلَمُونَ

این خانه های آنان است که به سبب ستمشان [از سکنه] خالی مانده. بی تردید در این سرگذشت برای گروهی که معرفت و شناخت دارند، عبرتی بزرگ وجود دارد، (۵۲)

وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

و آنان را که ایمان آوردند و همواره پرهیزکاری می کردند،

نجات دادیم. (۵۳)

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ

و لوط را [یاد کن] هنگامی که به قومش گفت: آیا این عمل بسیار زشت را در حالی که [وقت انجام دادنش با بی شرمی کامل به هم] نگاه می کنید، مرتکب می شوید؟! (۵۴)

أَإِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ ۚ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ
تَجْهَلُونَ

آیا شما از روی میل و شهوت به جای زنان با مردان آمیزش
می‌کنید؟ [شما برای این کار زشت دلیل و برهانی ندارید] بلکه
شما گروهی نادان هستید. (۵۵)

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ
قَرْيَتِكُمْ ۖ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ

پس جواب قومش جز این نبود که گفتند: خاندان لوط را از
شهرتان بیرون کنید؛ زیرا آنان مردمانی اند که همواره خواهان
پاکی اند. (۵۶)

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا هَا مِنْ الْغَابِرِينَ

پس او و خانواده اش را نجات دادیم مگر همسرش را که مقدر کرده

بودیم در باقی ماندگان [در شهر برای هلاکت بماند]. [۵۷]

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا^ط فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذِرِينَ

و بارانی از [سنگ گِل] بر آنان بارانندیم، پس بد بود باران بیم

داده شدگان. (۵۸)

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ ^{قَالَ} اللَّهُ خَيْرٌ
أَمَّا يُشْرِكُونَ

بگو: همه ستایش ها ویژه خداست، و درود بر آن بندگان که
آنان را برگزیده است. آیا خدا بهتر است یا آنچه شریک او قرار
می دهند؟ (۵۹)

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ
 مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا
 شَجَرَهَا ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَلِيمٍ قَوْمٍ يَعْدِلُونَ

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه آسمان‌ها و زمین را آفرید، و برای شما از آسمان آبی نازل کرد که به وسیله آن باغ‌هایی خرم و باطراوت رویاندیم، که رویاندن درختانش در قدرت شما نیست؛ آیا با خدا معبودی دیگر هست [که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد؟ نه، نیست]، بلکه آنان مردمی منحرف اند [که برای او شریک می‌گیرند]. [۶۰]

أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ
لَهَا رَوَاسِي وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِ
أَكْثَرُ هُمْ لَا يَعْلَمُونَ

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه زمین را [برای موجوداتش] آرام و قرارگاه ساخت و در شکاف
هایش نه‌هایی پدید آورد، و برای آن کوه‌هایی استوار قرار داد [تا زیر پای اهلش نلرزد]، و میان دو دریا [ی
شیرین و شور] مانع و حایلی قرار داد [که با هم مخلوط نشوند]؛ آیا با خدا معبودی دیگر هست [که شریک
در قدرت و ربوبیت او باشد]؟! [نه، نیست] بلکه بیشترشان اهل معرفت و دانش نیستند. (۶۱)

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ
خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۗ قُلْ أَلِلَّهِ مَعَ اللَّهِ ۚ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه وقتی در مانده ای او را بخواند اجابت می کند و آسیب و گرفتاریش را دفع می نماید، و شما را جانشینان [دیگران در روی زمین قرار می دهد؟ آیا با خدا معبودی دیگر هست] که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد؟! [اندکی متذکر و هوشیار می شوند. (۶۲)

أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ
 بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِتَعَالَىٰ عَمَّا
 يُشْرِكُونَ

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه شما را در تاریکی های خشکی و دریا [به وسیله ستارگان و دیگر نشانه ها] راهنمایی می کند؟! و کیست که پیشاپیش [باران] رحمتش بادهارا مژده رسان می فرستد؟ آیا با خدا معبودی دیگر هست [که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد؟!]. خدا برتر است از آنچه برای او شریک قرار می دهند. (۶۳)

أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ ۗ قُلْ أَإِلَٰهٌ مَّعَ اللَّهِ ۚ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ

صَادِقِينَ

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه مخلوقات را می آفریند، آن گاه آنان را [پس از مرگشان] باز می گرداند؟! و کیست آنکه از آسمان و زمین شما را روزی می دهد؟ آیا با خدا معبودی دیگر هست [که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد؟] بگو: اگر راستگوید دلیل خود را بیاورید. (۶۴)

قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ
وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ

بگو: در آسمان ها و زمین هیچ کس جز خدا غیب نمی داند، و

آنان آگاهی ندارند چه زمانی برانگیخته می شوند؟ (۶۵)

بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلٌ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا بَلٌ
هُمُّ مِنْهَا عَمُونَ

بلکه دانش و آگاهی آنان نسبت به آخرت [به خاطر هزینہ کردن
عمرشان در امور مادی] به پایان رسیده، بلکه درباره آخرت در
تردیدند، بلکه اینان از [فهم] آن کوردل اند، (۶۶)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَنِنَّا لَمُخْرَجُونَ

و کافران گفتند: آیا زمانی که ما و پدرانمان خاک شدیم به

راستی ما را از آن [زنده] بیرون می آورند؟ (۶۷)

لَقَدْ وَعَدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ
الْأَوَّلِينَ

همانا پیش از این [زنده بیرون آمدن از خاک را] به ما و پدرانمان
وعده داده اند، ولی این مطلب جز افسانه خرافی پیشینیان نیست!

(۶۸)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الْمُجْرِمِينَ

بگو: در زمین بگردید پس با تأمل بنگرید که سرانجام

گنهکاران چگونه بود؟ (۶۹)

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ

و بر آنان [که با حق دشمنی می کنند] اندوه مخور و از
نیرنگی که همواره به کار می گیرند، دلتنگ مباش. (۷۰)

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

و می گویند: اگر راستگوئید این وعده [عذاب] کی خواهد

بود؟ (۷۱)

قُلْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ رَيْفًا لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ

بگو: امید است بخشی از آن عذابی که رسیدنش را با شتاب

می خواهید، دنبال شما باشد، (۷۲)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا
يَشْكُرُونَ

و یقیناً پروردگارت بر مردم دارای فضلی بزرگ است، ولی
بیشترشان سپاس نمی گزارند، (۷۳)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ

و به راستی پروردگارت آنچه را سینه هایشان پنهان می دارد و

آنچه را آشکار می کند، می داند، (۷۴)

وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

هیچ پوشیده و پنهانی در آسمان و زمین وجود ندارد مگر
آنکه در کتابی روشن [چون لوح محفوظ] است. (۷۵)

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ
فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

بی تردید این قرآن بیشتر آنچه را بنی اسرائیل [از روی جهالت] در
آن اختلاف دارند، برای آنان بیان می کند، (۷۶)

وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

و یقیناً قرآن برای مؤمنان، سراسر هدایت و رحمت است.

(۷۷)

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

قطعاً پروردگارت [روز قیامت] به حکم خود میان بنی اسرائیل
[در آنچه از امور دینی و معنوی اختلاف دارند] داوری می کند؛ و
او توانای شکست ناپذیر و داناست. (۷۸)

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۖ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ

پس بر خدا توکل کن؛ زیرا تو [متکی بر آیین] حق آشکاری.

(۷۹)

إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا
مُدْبِرِينَ

بی تردید تو نمی توانی [دعوت را] به مردگان بشنوانی، و نیز
نمی توانی آن را به کران که پشت کنان روی برمی گردانند
بشنوانی، (۸۰)

وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنِ ضَلَالَتِهِمْ ۗ إِنَّ تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ
يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ

و تو هدایت کننده کوردلان از گمراهی شان نیستی، و نمی توانی
[دعوت را] جز به آنان که به آیات ما ایمان می آورند و تسلیم
[فرمان ها و احکام] خدا هستند، بشنوانی. (۸۱)

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ
تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ

و هنگامی که [در اوقات پایانی دنیا] وعده عذاب ما بر آنان حتمی و لازم شود، جنبنده ای را از زمین برای آنان بیرون می آوریم که با آنان سخن می گوید [تا به آیات ما و آخرت و اصول آن یقین کنند]؛ زیرا مردم پیش از این به آیات ما یقین نداشتند. (۸۲)

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ
يُوزَعُونَ

و [یاد کن] روزی را که از هر امتی گروهی از آنان را که آیات ما را
تکذیب می کنند، محشور می کنیم و آنان را [از حرکت] باز
می دارند [تا گروه های دیگر به آنان ملحق شوند،] [۸۳]

حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا
أَمَّا أَذًا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

تا وقتی که [به محل حساب] آیند، [خدا] می گوید: آیا آیات مرا
تکذیب کردید در حالی که هیچ احاطه علمی به آنها نداشتید؟ یا شما
[غیر از تکذیب آیات] چه کارها [ی دیگری] انجام می دادید؟ (۸۴)

وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ

و به سبب ستمی که [به آیات ما] روا داشتند، عذاب ما بر آنان
حتمی و لازم می شود، پس [برای معذور نشان دادن خود] سخن
نمی گویند. (۸۵)

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۚ إِنَّ
فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

آیا ندانسته اند که ما شب را قرار داده ایم تا در آن بیارامند، و روز را روشن نموده ایم [تا در آن به تلاش اقتصادی برخیزند؟] به راستی در این امور برای مردمی که ایمان می آورند، نشانه هایی [بر توحید، ربوبیت و قدرت خدا] است. (۸۶)

وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي
الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ

و [یاد کن] روزی را که در صور می دمند، پس هر که در آسمان
ها و هر که در زمین است دچار هراس شود، مگر کسی که خدا
بخواهد؛ و همه خوار و فروتن به پیشگاه او آیند، (۸۷)

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ ج
 صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَنْتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ ج إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ

و کوه ها را می بینی [و] آنها را [در جای خود] بی حرکت می پنداری، در حالی که آنها
 مانند ابر گذر می کنند. آفرینش خداست که [آفرینش] هر چیزی را محکم و استوار
 کرده است؛ یقیناً او به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۸۸)

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعِ يَوْمِئِذٍ
آمِنُونَ

آنان که کارهای خیر و نیک [به آخرت] بیاورند، پاداشی بهتر از آن دارند، و آنان در آن روز از هول و هراسی بزرگ ایمن اند، (۸۹)

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ يُجْزَوْنَ
إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و آنان که کارهای بد و زشت بیاورند به رو در آتش افکنده
می شوند؛ [و به آنان گویند:] آیا جز آنچه انجام دادید پاداشتان
داده اند؟ (۹۰)

إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أُعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ ۖ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

من فقط فرمان یافته ام که پروردگار این شهر را که آن را بسیار محترم شمرده و همه چیز در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، بپرستم و فرمان یافته ام که از تسلیم شدگان [فرمان ها و احکام او] باشم، (۹۱)

وَأَنْ أَتْلُو الْقُرْآنَ ط فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ط وَمَنْ
ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ

و اینکه قرآن را بخوانم؛ پس هر که راه یابد فقط به سود خود راه یافته است، و هر که گمراه شود [آثار شوم گمراهی فقط متوجه خود اوست] پس [به مردم] بگو: من فقط از بیم دهندگانم، (۹۲)

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيْرِكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ
عَمَّا تَعْمَلُونَ

و بگو: همه ستایش ها ویژه خداست؛ به زودی نشانه های خود را [که شکست شما و رفتاری های سخت دنیایی و مرگ و عذاب آخرت است] به شما [مشرکان و کافران] نشان خواهد داد، پس آنها را [به خوبی] خواهید شناخت. و پروردگارت از آنچه انجام می دهید، بی خبر نیست. (۹۳)